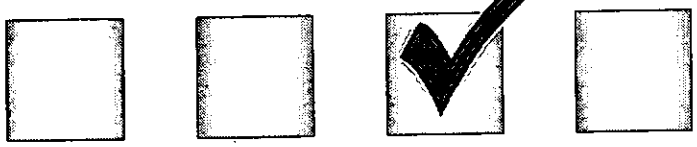




# س

محمّد طاهر معیری

## آزمون چند گزینه ای



گاهی باید بین پاسخ های درست و نادرست، آن را که درست است، تشخیص داد و در پاسخ به سؤال، به نشانه گذاری اکتفا می شود، و گاهی قسمت هایی از یک متن از قبل تهیه شده را که جای آنها در ورقه امتحانی برای اظهار نظر باقی است، باید تکمیل کرد، در هر حال، در این شیوه امتحان، پرسش ها متعدد جواب ها کوتاه است.

۳. وجه سوّم، ترکیبی از دو صورت قبلی است؛ به این معنا که پرسش امتحانی، آمیخته ای از سؤال های کلی و کوتاه است که ممکن است در دو جلسه مختلف یا به توالی مطرح شوند. به این ترتیب که در مرحله اول، امتحان دهندگان با وقت محدود، به تعداد زیادی از سؤال ها، پاسخ کوتاه می دهند و در مرحله تکمیلی آزمایش، در مقابل چند سؤال کلی قرار می گیرند، تا بحال آن را داشته باشند درباره موضوع مورد ارزشیابی، هر قدر آگاهی و توانایی دارند، به کار گیرند و شایستگی

# مشاوره

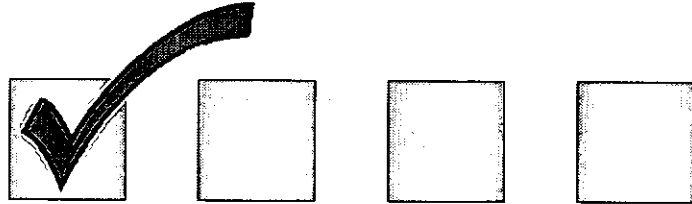
پاسخ گفتن به هریک از آنها به ذکر یک کلمه یا یک تاریخ، و حداکثر یک یا دو سطر اظهار نظر نیاز دارد. این گونه پرسش ها به صورت های مختلف مطرح می شوند. گاهی سؤال مستلزم اظهار نظری کوتاه و مشخص است،

در ارزشیابی دانش و توانایی ذهنی افراد، از روش های گوناگون استفاده می شود. امتحانات دوره ای و مقطعی، معمولی ترین آنهاست. در این جریان، نوع آزمون، اعتبار سؤال ها و زمان و ترتیب ارزشیابی، نقش قابل توجه دارند. چه بسا که شیوه و روش، جریان داوری را به کلی مقلوب کند. اعتبار روش، مهمترین ضرورت ارزشیابی است.

در مجموعه عوامل مؤثر در نتیجه ارزشیابی، نوع پرسش ها اهمیت اساسی دارد. ارزشیابی نوشتاری را از لحاظ نوع سؤال به سه وجه مختلف می توان ترتیب داد:

۱. طرح سؤال های کلی که به هریک از آنها باید به صورت یک مقاله جامع پاسخ بدهند. این گونه پرسش ها قهراً باید از حیث تعداد، محدود و از لحاظ وسعت، در قالب فرصتی باشد که برای جلسه امتحان منظور می شود.
۲. سؤال های کوتاه و متعدد که

سؤال های کلی، به امتحان دهنده فرصت می دهد که همه اطلاعات خود را درباره موضوع سؤال عرضه کند، ورقه امتحانی را به سلیقه و تشخیص خود تنظیم کند.



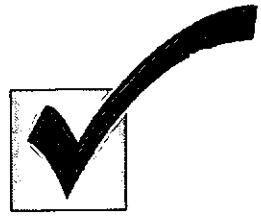
خود را نشان دهند؛ یعنی در پاسخ های نوع دوم، آنها که ممتاز شوند، جای خود را در میان گروه باز می یابند. گاهی آزمایش مرحله دوم، فقط در گروه قوی و ممتاز اجرا می شود تا برای تمیز بین خوب و بد، فرصت بهتری را فراهم کند و بر اساس این بازبینی مجدد، شایسته ترین امتحان دهندگان شناخته شوند. مصاحبه و امتحان شفاهی هم برحسب مورد، ممکن است جای امتحان مرحله دوم را بگیرد، که جای بحث و انتقاد وسیع دارد و اعتبار آن به ملاک ها و نحوه اجرایش وابسته است. سؤال های کلی، به امتحان دهنده فرصت می دهد که همه اطلاعات خود را درباره موضوع سؤال عرضه کند، ورقه امتحانی را به سلیقه و تشخیص خود تنظیم کند، با آزادی و وقت کافی در هر موضوع اظهار نظر کند و وسعت دید خود را با ملاک های دقیق تری نشان دهد.

در پاسخ گفتن به سؤال های کلی،

که توصیف و بازشکافی مسائل را ایجاد می کنند، امتحان دهنده باید به همه ابعاد مسأله توجه کند و این، مستلزم تسلط کافی بر مطلب است. در این روش، ورقه امتحانی از صورت قالبی، فقط شامل رئوس مطالب مصون خواهد ماند، آنکه بیشتر می داند، بهتر و بیشتر به بحث می پردازد و ورقه بهتری ارائه می دهد؛ نه آن که لقمه از پیش ساخته ای

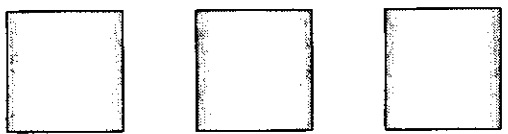


را بشناسد و ببلعد. سؤال های کلی، جایی برای حدس و گمان باقی نمی گذارند و امتحان دهنده فقط وقتی می تواند به سؤال پاسخ دهد که درباره موضوع، علم و آگاهی قبلی داشته باشد و بر پیوستگی و تقدم و تأخر مطالب و نتیجه گیری قادر باشد. به هر حال، در اعتبار این گونه ارزشیابی، از بسیاری جهات تردید نیست. اما افسوس که در مقیاس وسیع میلیونی آزمایش شوندگان و در سطح و حد تحصیلات یک دوره یا یک سال تحصیلی، به چنین روشی دسترسی نیست. آن گاه که تعداد امتحان کنندگان از حد متعارف، مثلاً صد تا پانصد نفر، بالاتر می رود، بررسی پاسخ های مربوط به سؤال های وصفی از حد امکانات عادی فراتر



می‌رود و صورت غیر عملی به خود می‌گیرد. در مقیاس وسیع تعداد امتحان‌دهندگان، تصحیح اوراق جز با استفاده از حسابگرها میسر نخواهد بود. کاربرد رایانه فقط با استفاده از رمزهایی که بر پاسخ‌های کوتاه بنا می‌شود، می‌تواند عملی باشد. کدگذاری که لازمه استفاده از حسابگرهاست، لزوماً پاسخ‌های کوتاه صریح و سریع را طلب می‌کند. پاسخ‌های کوتاه را نمی‌توان با پرسش‌های تفصیلی فراهم کرد. علاوه بر آن، پاسخ‌های کوتاه به تعداد زیاد و متعدد جواب نیاز دارد و این، با محدود سوال‌های تفصیلی میسر نیست. بدین سبب، ارزشیابی و امتحان در مقیاس وسیع، پای‌روش و شیوه‌ای با تعداد سوال کافی و پاسخ‌های کوتاه رمزپذیر را به میان می‌کشد که شناخته‌ترین شکل آن، همان آزمون‌های چندگزینه‌ای است.

در ارزشیابی با سوال‌های متعدد، که می‌توان به همه بخش‌های هر مطلب رسید، برای عرضه آگاهی‌ها، مجال بیشتری فراهم می‌شود. در این گونه ارزشیابی، آزمایشی به اظهار نظر درباره چند موضوع معین محدود نیست. اگر احیاناً در موارد ضعف و کمبود داشته باشد، می‌تواند به دیگر قسمت‌ها بپردازد، و این بر دقت ارزشیابی می‌افزاید و چه بسا که بیش از چند سوال



معدود، می‌تواند جانب حق افراد را ملحوظ دارد؛ زیرا کسی که در برخورد مثلاً با پنجاه تا صد پرسش کوتاه با مباحث گوناگون در همه قسمت‌ها ناتوانی نشان دهد، به راستی ناتوان و ضعیف است و ورقه امتحانی، به داوری قعی‌تری می‌رسد.

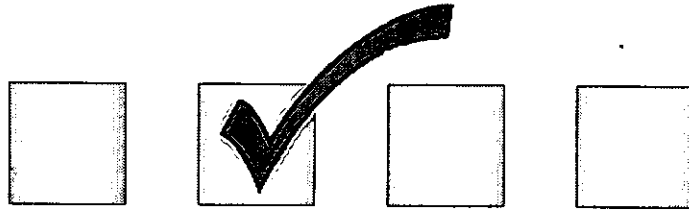
در مقابل این امتیازها، این گونه امتحان را نقاط ضعفی هم متصور است که عنایت به آنها لازمه هر گونه بحث و بررسی در این زمینه است. اگر این شیوه ارزشیابی را می‌پذیریم و ناچار باید بپذیریم، لزوم تلاش‌های معنادار و مؤثر در خط اعتلای سطح اعتبار آن‌را هم باید قبول کنیم. اعتبار آزمون‌های چندگزینه‌ای، به مراقبت جدی و پی‌گیر درباره بعضی ویژگی‌های آن وابسته است. اگر آن ویژگی‌ها و جنبه‌ها دستخوش غفلت باشند، انحراف نتیجه ارزشیابی را از خط مطلوب سبب می‌شوند. مباد که در عین الزام به



تمسک به چنین شیوه امتحان، در حالی که مبتکران آن در این باره شک و تردید نشان می‌دهند و مدام در صدد تغییر و اصلاح و تکمیل آن هستند، ما با تمام وجود به آنها تکیه کنیم و تصمیم‌های اساسی را آن‌چنان وابسته کنیم که نبودش به زبود باشد، و در نهایت، از داوری منصفانه و عادلانه در تشخیص ارزش‌ها دور بیفتیم و حق‌ها پایمال شود.

**این ویژگی‌ها کدامند؟**

آزمون‌های چندگزینه‌ای، شرایطی لازم است که در دو گروه اصلی و اساسی، یکی به خود پرسش‌ها باز می‌گردد و دیگری به لزوم بازسازی مستمر و حفظ و نگهداری سالم آنها. در آزمون‌های چندانتخابی، نخستین مسأله مهم در تعداد انتخاب‌ها، در هر سوال ظاهر می‌شود. در این گونه پرسش‌ها در مقابل هر موضوع، ممکن است دو یا سه یا چهار و... حالت مختلف مطرح شود، که فقط یکی از آن‌ها درست باشد. روشن است که به این ترتیب، هر قدر در هر سوال تعداد انتخاب‌ها کمتر باشد، پاسخ گفتن مهم‌تر است و در مقابل جواب درست، آن‌که نادرست است، آشکار و صریح خود را نشان می‌دهد و مستلزم در نظر گرفتن حالت‌ها دیگر نیست، و این برای امتحان‌دهنده، از لحاظ صرف وقت و



کوچک بودن دامنه تفکر، تسهیلاتی فراهم می‌آورد و تهیه‌کننده سؤال را هم کمک مؤثری است که ناچار نخواهد بود برای یافتن گزینه‌های مناسب در هر مبحث، به جست‌وجوی وسیع پردازد.

دیگر ضعف این آزمون‌ها در این است که به رغم بسیاری محاسن، خطر آن‌را دارد که به حق برجستگان گروه چنانکه



برنامه‌ها را هرچه آشکارتر و مختصرتر مطرح کنند و به اصالت مطلب توجه نداشته باشند. بازار تهیه و فروش و اجرای این گونه آزمون‌ها رایج می‌شود و راه را بر توجه به عمق تحصیلات مدرسه‌ای می‌بندد. آن این گونه آزمون‌ها رایج و سرنوشت‌ساز باشد، داوطلب شرکت در امتحان، به کنجکاوی و

باید، نرسد یا آنهایی را که ناتوانی مفرط دارند، در حد ضعف و کمبودشان، طبقه‌بندی نکند؛ زیرا که مجال بر آنها که توانایی بیشتر و عالی‌تر در هر زمینه، مباحث بسیاری برای طرح اطلاعات و دانش خود دارند، تنگ می‌کند و فقط به (آری و نه) درباره هر موضوع، محدود و موظف می‌کند. به این سبب، این روش به مقیاس دیگر روش‌ها توانایی رده‌بندی گروه را در میدانی وسیع ندارد و عملاً دامنه تغییرات نمره‌های امتحانی را محدود می‌کند. به همین دلیل است که گاهی پس از چنین آزمونی، در یک امتحان مکمل، برای شناخت استعدادها برتر، فرصت‌هایی فراهم می‌آورند تا خوب و بد را فاصله‌ای فراهم شود و برجستگان در گروه قوی

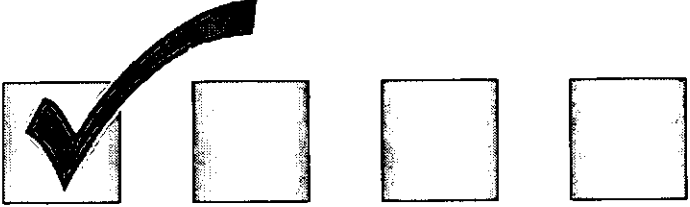
و ممتاز قرار گیرند و تمیز خوب و بد به وجه بهتری میسر شود.

نقطه ضعف دیگر آزمون‌های چند گزینه‌ای، در این است که در آنها اصالت و عمق اطلاعات، دستخوش بی‌اعتنایی است. پرسش چند گزینه‌ای برای ابراز جنبه‌های بنیادی آگاهی‌ها، مجال باقی نمی‌گذارد. امتحان‌دهنده را وادار می‌کند که فقط در خطی حرکت کند که مطالب جزئی و احياناً کوتاه و چه بسا کم‌اهمیتی را که می‌تواند در آزمون چند گزینه‌ای مطرح باشد، به خاطر بسپارد، و با پاره‌ای محفوظات قالبی برای مقابله با ضرورت‌های آزمون آماده شود. چنین است که با اجرای تدریجی این برنامه‌ها، معلمانی در کلاس موفق‌ترند که چکیده‌های سطحی

تحلیل وسیع مطالب نیاز ندارد، با کوشش سازنده، تفکر درباره مباحث مختلف فاصله می‌گیرد و به تدریج عمق تحصیلات مدرسه‌ای از لحاظ وسعت آگاهی‌ها، به سطح نازلتری سقوط می‌کند.

### انتخاب سؤال

در هر گونه آزمون، انتخاب سؤال مرحله‌ای حساس است. سؤال امتحانی باید با بیان صریح، روشن، قابل فهم، و حتی المقدور کوتاه مطرح شود تا امتحان دهندگان، به سادگی مقصود را درک کرده و پاسخ را تشخیص دهند. پرسش امتحانی باید با همه آنچه که مورد توجه ارزشیابی است - مثلاً ما با همه برنامه تحصیلی دوره مربوطه - ارتباط



داشته باشد و فقط روی یک یا چند بخش متمرکز نباشد. پرسش امتحانی باید با مقدار پیامد وقتی که برای جواب گفتن به آزمایشی اختصاصی داده می‌شود، مناسب معقول داشته باشد. وقت زیاد و کم، هر یک متضمن پیامدهایی است که دقت و اعتبار ارزشیابی را ساقط می‌کند. سؤال‌های امتحانی باید بارشد ذهنی و سن، به خصوص با هدف ارزشیابی، مناسب داشته باشند. پرسش‌های امتحانی، باید حتی المقدور مستقل از هم باشند تا موجب دویاره کاری و اتلاف وقت نشوند. سؤال‌های امتحانی از لحاظ سهولت و دشواری، باید حالت متعادل و میانی داشته باشند؛ نه چنان پیچیده و دشوار باشند که دست اکثریت گروه را در تهیه پاسخ ببندند و نه آن چنان سهل و روشن که همه به آنها، به آسانی جواب دهند و مجال را بر طبقه بندی درست امتحان دهندگان تهیه کند.

با توجه به این ضرورت‌ها، بینیم در تهیه دو گونه سؤال‌های توصیفی و کوتاه جواب، معمولاً چه مسائلی پیش می‌آید؟ در ارتباط با پرسش‌های چندگزینه‌ای، مسأله اساسی این است که تهیه این گونه پرسش‌ها، خود به علم و آگاهی متناسب با شرایط آزمون نیاز دارد. هر پرسش چندگزینه‌ای، فقط باید یک پاسخ درست داشته باشد. نحوه مطرح کردن این پاسخ در

پاسخنامه، اهمیت اساسی دارد. مهمتر از آن، انتخاب سه یا چهار پاسخ نادرست برای هر پرسش است. انتخاب پاسخ‌های نادرست، از منابع مهم بروز نارسایی هاست. گاهی پیش می‌آید که پاسخ‌های نادرست، چنان پیش پا افتاده و بی محتوا در می‌آیند که تشخیص پاسخ درست، کمرنگ جلوه می‌کند و به صورت خود به خودی ظاهر می‌شود. گاهی آزمون‌ها یا جواب درست ندارد یا بیش از یک جواب درست دارد و یا چنان مبهم است که تشخیص درست و نادرست را دشوار می‌کند. گاهی سلیقه و برداشت تهیه کننده در پیش بینی مطالب، بیش از پراکندگی موضوع و محتوای مورد ارزشیابی در تهیه سؤال‌ها رخنه می‌کند. و... بی شک بیشتر این موارد به لغزش و خطا در تهیه سؤال‌ها باز می‌گردد، نه به متن و شیوه امتحان. در این مقال، تأکید روی این حقیقت است که تهیه

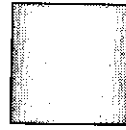


پرسش‌های چندگزینه‌ای، فی نفسه دشوار و نیازمند صلاحیت و تخصص کافی است. با این همه، اکنون اجرای آزمون‌های چندگزینه‌ای، معمول و به حکم ضرورت‌های اجتناب ناپذیر، جای دیگر روش‌ها را گرفته است. در این صورت، باید به کوشش وسیع و معنادار برای بازسازی، بهسازی و پاکسازی آن از موانع و زواید پرداخت.

**ارزشیابی پرسش‌های امتحانی**

بی گمان نتیجه و بنابراین، اعتبار هر امتحان، تابع عوامل گوناگون است. انتخاب سؤال، نظم و انضباط اجرای مآخذ درست نمره گذاری و تصحیح اوراق، همه در اعتبار ارزشیابی مؤثرند. اجرای برنامه‌های وسیع ارزیابی سؤال‌ها، به ویژه در مواردی چون آزمون‌های گزینش دانشجوی، و آنها که ملاک اختصاص امتیازهای قابل توجهی هستند که با سرنوشت انبوه جوانان برخورد دارند، به مراقبت جدی شدید و مستمر نیاز دارند، و این مستلزم اتخاذ راه و روند مناسب و معتبر برای ارزشیابی خود جریان و شیوه ارزشیابی است.

تهیه سؤال‌های مناسب امتحان مرحله‌ای، بسیار دشوار است و جنبه حساس ارزشیابی دارد. هر چه را که بتوان پرسید، نمی‌توان گفت که سؤال امتحانی است. سؤال‌های امتحانی را



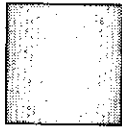
غریب‌ال و صافی‌های دقیق لازم است تا در ارتباط با همه آثار امتحان، نارسایی‌ها را شناسایی کنند و به حداقل تقلیل دهند. به حکم همین ضرورت، سؤال‌های امتحانی باید نتیجه ارزشیابی‌های متعدد و با مجال تراز شده و قابل استناد باشند.

و اما پرسش‌های امتحانی را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟ خوشبختانه برای این منظور، معیارهای نسبتاً دقیق فراهم کرده‌اند. در اجرای این برنامه، در درجه اول، طبقه‌بندی امتحان‌دهندگان در سه گروه قوی، متوسط و ضعیف، بر اساس نتیجه کلی امتحان لازم است، که از نتیجه مستقل کار هر گروه و مقایسه آنها، می‌توان به ویژگی‌های معینی رسید. برای این گروه‌بندی از تعداد امتحان‌دهندگان، می‌توان در هر طرف درصد معینی در نظر گرفت. در آزمایش صعودی نتیجه کلی امتحان مثلاً ۲۵ درصد افراد را در هر طرف به عنوان دو گروه ضعیف و قوی و ۵۰ درصد میانی را گروهی متوسط در نظر می‌گیریم. در ارزشیابی سؤال‌ها، آنها را یک به یک مورد توجه قرار می‌دهیم. هر سؤال برای خود معیارهایی به دست می‌دهد. برای شناسایی سؤال‌های بهتر، می‌توان از ملاک‌های مختلف استناد کرد؛ سختی و آسانی، قدرت تمیز، سلامت سؤال از لحاظ موضوع و متن و... از جمله ضابطه‌های ارزشیابی هر سؤالند.



شاخص‌ها را بر اساس نتایجی که از کاربرد مکرر سؤال‌ها حاصل می‌شود، باید فراهم کرد. سؤال‌هایی که در مقیاس انبوه با پاسخ‌های ناکافی، نارسا و غیر مربوط برخورد می‌کنند، فی‌نفسه مصون از عیب و نقص نیستند. در حقیقت، ماهیت این‌گونه پرسش‌ها را نقصانی است که به صورت ناتوانی گروه در مقابله با آنها ظاهر شده است.

باری، در جامعه امروز که نوجوانان برای سال‌های دراز و به مدت قابل ملاحظه، عمر خود را به حکم اجبار و به پیروی از رسم زمان، در کلاس درس می‌گذرانند و توجه آنان به خط واحدی از پیروزی، یعنی راه یافتن به تحصیلات دانشگاهی است، ملاک‌های انتخاب باید قوی، قابل دفاع، نفوذناپذیر و بنا شده بر پشتوانه‌های علمی منطقی و نوآور باشد. مبادا که در آخرین مرحله تحصیلات دبیرستانی، خدای ناکرده بی‌میزانی و معیار دست‌برد بر سینه



بعضی گذاشته شود که نخیر، تو برای آنچه سال‌ها متر صد آن بوده‌ای، شایسته نیستی، و از این بدتر آن‌که، راه دیگری هم پیش پای آنها نگذاشته باشیم. از این مقوله بگذریم که، لب سخن این که از ارزشیابی مستمر پرسش‌های امتحانی، قابل قبول‌ترین سؤال‌ها را از نقطه نظرهای مختلف باید شناسایی کنیم و در حفظ و سالم نگهداری آنها بکوشیم، و همواره هم‌تراز و موازی این کوشش‌ها، در صدد آن باشیم که وقتی روش کار کهنه و شناخته‌شده، از شیوه‌های بهتر، مؤثرتر و سنجیده‌تری برای انتخاب به راستی بهترین‌ها سود بگیریم؛ در عین آن‌که برای دیگران نیز به فراخور شایستگی‌ها و توانایی‌هایشان، راه و خط‌های دیگری فراهم آورده باشیم.

به هر حال، سرنوشت را به خصوص آن‌گاه که نسل جوان، و در نهایت، جامعه، به نتیجه آزمون‌های عمومی چشم دوخته‌اند و امیدها دارند، چشم بسته به پاره‌ای معیارهای نیم‌بند نباید سپرد. آزمون عمومی هم به ترازوهای دقیق و سالم نیاز دارد، هم‌وزنه‌ها و معیارهای موحد و بدون شورش لازم است تا عدالت اجتماعی را مرعی دارد و انتخاب‌های شایسته‌تری را برای مقابله با شرایط فردا فراهم آورد. برای زندگی فردا مهارها را به دست آنها بیاید داد که به راستی مهارت‌پذیر باشند. ان‌شاءالله